



بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان - 17 / مهر / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

خب، طبق معمول، دیدار شما جوانان عزیز برای من بسیار شیرین، بسیار الهام‌بخش و غالباً زمینه‌ی اقدام و عمل در سیاستها و برنامه‌ریزی‌ها است. آن چیزهایی هم که دوستان در سخنرانی‌هایشان گفتند، غالباً مطالب پُر مغز و قابل توجهی بود؛ من امروز یادداشت نکردم، چون تصمیم داشتم که نوشته‌ها را یکی یکی بگیرم. ان شاء الله در دفتر ما - دوستان می‌شنوند حالا از من، همین حالا می‌گویم - پیشنهادها را جمع کنند، تفکیک کنند؛ بعضی برای خود ما لازم است که مورد توجه قرار بگیرد و ان شاء الله به آنها توجه می‌شود، بعضی هم بایستی به دستگاه‌های گوناگون تذکر داده بشود، یا ابلاغ بشود، یا پیشنهاد بشود. برخی از نکات هم دوستان گفتند که توضیح لازم دارد، یعنی برای من نکته روشن نشد. حالا مثلاً یکی از دوستان اشاره کردند که نقشه‌ی دانش تهیه بشود؛ (۲) من نفهمیدم که آیا غیر از نقشه‌ی جامع علمی - که مدتها روی آن کار شده و سند آن تهیه شده و ابلاغ شده - چیز دیگری مورد نظر است؟ که اگر این است، خب باید توضیح بدهند. دوستان، ممکن است مواردی لازم باشد توضیح بدهند، که شاید حالا از طرف دفتر ما سؤال بشود و پاسخ بگیرند.

شماها نخبگان عزیز، چه شما که اینجا حضور دارید، چه نخبگان بی‌شماری که بحمدالله در سرتاسر کشور هستند و به هر دلیلی حالا در این جلسه حضور ندارند، در هر رشته‌ای که تحصیل می‌کنید و تحقیق می‌کنید و کار می‌کنید - چه علوم انسانی، چه علوم فنی، چه علوم پایه، چه علوم پزشکی و علوم مربوط به سلامت، و هر بخش دیگری که مشغول کار هستید - همه‌تان در واقع مهندسان پیشرفت آینده‌ی کشورید؛ شما هستید که دارید آینده‌ی کشورتان و آینده‌ی ایران عزیز را طراحی می‌کنید و ان شاء الله اگر با عزم جزم و همت والا و عمل پیگیر این را دنبال کنید، به نتیجه خواهید رساند و ایران آینده را شماها خواهید ساخت. نکته‌ای که من می‌توانم به شما عرض بکنم این است که بدانید: سیاست "پیشرفت علمی با شتاب بالا" یک سیاست بنیادی برای نظام است؛ مجموعه‌ی مغز متفکر دستگاه کشور به این نتیجه رسیده است که گذر از دشواری‌ها، عبور از خطرگاه‌ها و لغزشگاه‌ها در ایران اسلامی، اگر به دو سه رکن و مقدمه نیاز داشته باشد، یکی، پیشرفت علمی است؛ این یک سیاست بنیادی است، از حدود ده دوازده سال پیش این سیاست دارد دنبال می‌شود؛ دولت‌های مختلف، مسئولان گوناگون، عناصر ذی‌ربط، خود جوانها و نخبه‌ها، در این زمینه‌ها کار کردند، تلاش کردند و بحمدالله امروز محصول کار را که انسان نگاه می‌کند، امیدوار می‌شود. من بارها این را به جوانها گفته‌ام، به مسئولین هم گفته‌ام، به شما هم حالا عرض می‌کنم: قطعاً نیروی جوان کشور ما، نیروی انسانی کشور ما، نخبگان کشور ما، قادرند به قله‌های پیشرفت همه‌جانبه، کشورشان و ملتشان را برسانند؛ این توانایی در شما هست. این را ما قبلاً - از دیگران و براساس تجربه‌های دیگران - می‌گفتیم، بتدریج برای خود ما هم تجربه شد. من بارها گفته‌ام: امروز هر کار علمی و فناوری در کشور که زیرساخت آن وجود داشته باشد، از دست‌کننده‌ی ایرانی، جوان ایرانی، و نخبه‌ی ایرانی بر می‌آید؛ هیچ چیزی وجود ندارد که ما بگوییم استعداد ایرانی و نخبه‌ی ایرانی قادر به ایجاد آن، تولید آن، ساخت آن نباشد؛ مگر اینکه زیرساخت آن در کشور وجود نداشته باشد که باید آن زیرساخت را ایجاد کرد. وضع و سطح استعداد کشور ما یک چنین سطحی است. پیشرفت واقعی کشور هم جز با پیشرفت علم امکان‌پذیر نیست؛ علت اینکه گفتیم گفتمان اصلی و سیاست اصلی این است، این است. پیشرفت واقعی جز با پیشرفت علم فراهم نخواهد شد.

بعضی از کشورها ممکن است تولیدات زیرزمینی خودشان را، نفت خودشان را، بشکه‌های نفت را، منتقل کنند به صاحبان ثروت و علم در دنیا، محصولات آنها را بخرند، یک ظاهر پیشرفتی هم ممکن است به وجود بیاید اما این پیشرفت نیست؛ پیشرفت آن وقتی است که "درون‌زا" باشد، آن وقتی است که متکی به استعداد درونی یک ملت



باشد. وزن و اعتبار کشورها و دولتها و ملتها هم وابسته‌ی به همین درون‌زایی است. اگر چنانچه از درون، یک حرکتی، جهشی، رشدی به‌وجود آمد، به یک کشور، به یک ملت، وزن میدهد، اعتبار میدهد، ارزش میدهد، اِثت میدهد؛ اما اگر چنانچه از درون نبود، دیگران آمدند، [اعتبار به دست نمی‌آید]. خب، در زمان رژیم طاغوت خود فرنگی‌ها و غربی‌ها آماده بودند که برخی از کارهای مربوط به فناوری هسته‌ای را در کشور انجام بدهند؛ قرارداد می‌بستند. فرض بفرمایید حالا نیروگاه بوشهر را که ما با این همه زحمت بعد از سالها به دست آوردیم، بنا بود آلمانها بسازند - [که] پولش را هم گرفتند، بالا هم کشیدند، جوابی هم ندادند بعد از انقلاب - خب، فرض کنید یک نیروگاه هسته‌ای هم فلان کشور غربی بیاورد اینجا، خودش بسازد، خودش اداره کند، از برقش ما استفاده کنیم. این هیچ وزانتی برای یک ملت محسوب نمیشود؛ هیچ ارزشی به حساب نمی‌آید. آن وقتی اعتبار و وزانت برای یک کشور به‌وجود می‌آید که خودش توانایی از خود بروز بدهد. این توانایی وقتی در شما پیدا شد، آن وقت میتوانید در شرایط برابر، از توانایی‌های دیگران هم استفاده کنید، همچنان که آنها از توانایی‌های شما استفاده خواهند کرد. درست گفتند یکی از دوستان، (۳) بدیهی است که یک کشور همه‌ی فصول و سطوح مورد نیاز در مسائل علمی و فناوری را نمیتواند خودش تهیه کند، باید از دیگران هم بگیرد؛ اما این گرفتن از دیگران به صورت دست دراز کردن به سوی دیگران نیست؛ به صورت معامله‌ی برابر و پایاپای [است]؛ علم می‌دهید، علم می‌گیرید؛ فناوری می‌دهید، فناوری می‌گیرید؛ احترامتان هم در دنیا محفوظ است. این لازم است.

من به شما جوانهای عزیز که فرزندان انقلابید و فرزندان نظام اسلامی هستید، این را هم بگویم: دشمنی جبهه‌ای که امروز در مقابل ایران اسلامی قرار گرفته و دشمنی میکند، متمرکز روی همین نقطه‌ی قدرتمند شدن ایران است؛ نمیخواهند این اتفاق بیفتد. این نگاه کلان را باید در همه‌ی حوادث و قضایا - قضایای سیاسی، قضایای اقتصادی، قضایای گوناگون بین‌المللی و منطقه‌ای که مربوط به کشورتان است - همواره در نظر داشته باشید، فراموش نکنید. یک جبهه‌ی سیاسی پرقدرتی امروز در دنیا وجود دارد که نمیخواهد ایران اسلامی تبدیل بشود به یک کشور قدرتمند، به یک ملت قدرتمند؛ از اوّل انقلاب هم همین جور بود. من این را برای شما نقل بکنم: در سال ۵۷ که انقلاب اسلامی در ایران به‌وجود آمد و آن غوغای عظیم را در دنیا به راه انداخت، یک عده از نخبگان درجه‌ی یک سیاسی غرب - مثل کیسینجر، مثل هانتینگتون، مثل ژوزف نای، این چهره‌های برجسته‌ی نخبه‌ی سیاسی آمریکا و اروپا - یک سلسله مقالاتی را در همان اوائل انقلاب، در طول یک مدتی منتشر کردند؛ مضمون این مقالات و این نوشته‌ها هشدار به دستگاه سیاسی غرب - به نظام سیاسی غرب، دولتهای غربی - بود؛ به آنها هشدار میدادند، میگفتند، این انقلابی که در ایران اتفاق افتاده، به معنای تغییر یک هیئت حاکمه و جابه‌جایی هیئتهای حاکمه فقط نیست، این به معنای ظهور یک قدرت جدیدی است در منطقه‌ی به قول آنها خاورمیانه - که بنده این تعبیر را به‌هیچ وجه دوست ندارم - و به قول ما در منطقه‌ی غرب آسیا؛ یک قدرت جدیدی دارد ظهور میکند که ممکن است از لحاظ تکنولوژی و علم به پای قدرتهای غربی نرسد، اما از لحاظ نفوذ سیاسی و قدرت تصرف در فضای پیرامونی خود، از قدرتهای غربی یا بالاتر است یا هم‌وزن آنها است و برای آنها چالش ایجاد خواهد کرد. این را آنها آن روز هشدار دادند، اعلام خطر کردند. این به معنای این است [که] از نظر آنها بروز و ظهور یک چنین قدرتی به معنای این بود که بساط نفوذ غرب در این منطقه‌ی حسّاس و ثروتمند و بسیار مهمّ استراتژیکی، این نقطه‌ی وصل سه قاره به یکدیگر و مرکز نفت و مرکز ثروت و مرکز کانی‌های مهمّ مورد نیاز بشر، که غرب اصرار داشته است همیشه بر اینجا تسلط داشته باشد - تسلط سیاسی، تسلط اقتصادی و طبعاً تسلط فرهنگی - از دست غرب خارج خواهد شد یا لاقلاً تسلطشان دچار تزلزل خواهد شد؛ این را آن روز حدس زدند و البته درست فهمیدند. امروز بعد از گذشت بیش از سه دهه، بتدریج آن کابوسی که آنها میدیدند، به واقعیت تبدیل شده، یعنی یک قدرت بزرگ ملّی منطقه‌ای سربرآورده که فشارهای گوناگون اقتصادی و امنیتی و سیاسی و روانی و تبلیغاتی نتوانسته او را از پا بیندازد؛ و بعکس، او توانسته روی ملتهای منطقه اثر



بگذارد، توانسته فرهنگ عمومی اسلامی را تثبیت کند، منتشر کند، ملت‌های منطقه را با هویت کند، احساس هویت کنند.

این حوادثی که دو سال پیش در منطقه‌ی ما پیش آمد، حوادث بسیار مهمی بود؛ می‌بینید غربی‌ها چه عکس‌العملی در مقابل آن نشان دادند. حوادث مصر، حوادث منطقه‌ی شمال آفریقا، حوادث این طرف، حوادث بسیار مهمی بود؛ این بیدار شدن ملت‌ها با دست‌خالی، ایستادن در مقابل تحقیری که غرب و بخصوص آمریکا به وسیله‌ی عمال خودشان بر آنها تحمیل کرده بودند، حادثه‌ی بسیار بزرگی بود؛ البته تمام نشده؛ خیال میکنند که آن را سرکوب کردند، به نظر ما سرکوب نشده؛ یک پیچ تاریخی بود که منطقه در حال عبور از این پیچ تاریخی است؛ هنوز سرنوشت آن نهایی نشده؛ خود غربی‌ها هم میدانند، در تفسیرهای آنها هم همین هست؛ هنوز نگرانند، نمیدانند در منطقه چه دارد میگذرد. این به برکت قیام ملت ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی بود که بشارت‌دهنده‌ی ظهور یک قدرت ملّی عمیق مؤمن پایرجای بااستعداد روبه‌رشد و اعتلا - یک چنین قدرتی - بود. خب حالا شماها - مجموعه‌ی نخبگان در سرتاسر کشور، در هر رشته‌ای از رشته‌های علم و فناوری و پیش از اینها تحقیق، در واقع شمارگان باارزشی از افراد تشکیل دهنده‌ی این مجموعه‌ی عظیمی هستند که دارد این رسالت تاریخی را انجام میدهد - امروز در نوبت خودتان شانه‌هایتان را داده‌اید زیر بار یک چنین حادثه‌ی عظیمی. مهم این است که حرکت شما از دور نیفتد، مهم این است که سکت و وقفه‌ای در وسط به‌وجود نیاید. در همه‌ی حرکات مهم اجتماعی و سیاسی و نظامی همین است؛ وقتی یک حرکتی شروع شد، وقتی یک کار بزرگ و عظیم بلندمدتی آغاز شد، نباید گذاشت در وسط آن وقفه به‌وجود بیاید. ما در دوران دفاع مقدّس هم در صحنه‌های جنگ و درگیری‌های نظامی، همین را بالعیان میدیدیم؛ وقتی یک حرکتی شروع میشد، اگر از دور نمی‌افتاد آن حرکت، به پیروزی میرسید؛ [اما] اگر در وسط راه، عزمها سست میشد، تردید به‌وجود می‌آمد، تنبلی عارض میشد و کار از دور می‌افتاد، ناکامی به دنبالش بود. نباید بگذارید این حرکت علمی پرشتاب از دور بیفتد.

البته مخاطب من، همه‌ی اطراف قضیه‌اند؛ هم شما جوانهای عزیز که دارید کار میکنید، علم می‌آموزید، تحقیق میکنید، خودتان را از درون پرورش میدهید و احياناً کارهای برجسته و جالبی هم از شما سرمیزند - که همین حرفهایی که اینجا زدید، جزو همان کارها است؛ کار فقط کار فیزیکی نیست؛ ارائه کردن فکر، ارائه کردن نظر، تلاش کردن برای رسیدن به نظرات برتر، جزو بافضیلت‌ترین کارها است؛ البته باید در حدّ ذهنیت متوقف نماند - مخاطبید، هم دستگاه‌های مختلف؛ وزارت علوم، وزارت بهداشت درمان، و معاونت علمی.

این معاونت علمی رئیس‌جمهور، بخش بسیار مهمی است، کار بسیار حسّاسی است - این معاونت با اصرار بنده، با دنبالگیری بنده در چندین سال قبل به‌وجود آمد - بعد هم بنیاد نخبگان. کسانی هم [که بودند] واقعاً خدمت کردند؛ خانم سلطانه‌خواه، آقای واعظزاده، امروز هم آقای ستّاری - که خب ایشان فرزند شهید هم هستند - (۴) مسئول این معاونت مهم و این بنیاد مهمند. توصیه‌ی من به مسئولین معاونت علمی و بنیاد نخبگان این است که کار را باید دنبال کنید؛ کارها را از صفر شروع نکنید؛ کارهای برجسته‌ای انجام گرفته، براساس آن کارها پیش بروید؛ سعی کنید خلأها را پیدا کنید، نقایص و ضعفها را پیدا کنید، آنها را جبران کنید؛ قوتها را، نقاط قوت را از دست ندهید. به نظر من مهم‌ترین کاری که این دو وزارت و این معاونت مهم میتوانند انجام بدهند، این است که باید همّت خود را صرف کنند برای زمینه‌سازی نوآوری علمی؛ نوآوری مهم است. این جریان نوآوری نباید متوقف بشود؛ هر قدمی باید به دنبال خود، قدم بعدی را پیش بیاورد. برای اینکه ما بتوانیم جریان نوآوری را در کشور حفظ کنیم، یک رصد دائمی لازم است؛ دائم بایستی همین مسئولین محترمی که در معاونت علمی حضور دارند، این جریان علمی در کشور را رصد کنند؛ ببینند گره‌ها کجا است، گیرهای کار کجا است، مشکلات کجا است، ناهماهنگی‌ها کجا است، آنها را برطرف کنند. شورای عالی انقلاب فرهنگی که البته به این مسائل در حدّ وظایف و مسئولیتهای خودش



میپردازد مهم است، بخش معاونت علمی هم که يك مجموعه‌ی ستادی است برای هماهنگ کردن دستگاه‌ها، و خود دستگاه‌های علمی کشور یعنی این دو وزارت، و پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها و مراکز گوناگون علم و فناوری که مجریان کار هستند، اینها باید همه هماهنگ عمل بکنند؛ ناهماهنگی‌ها بایستی از بین برود. البته رشد علمی ما امروز در مقیاس منطقه و در مقیاس جهانی خیلی خوب است. عدد مطلق رشد ما خوب است، شتاب رشد ما هم بسیار خوب است، یعنی شتاب پیشرفت خیلی بالا است؛ لکن این ملاک نیست؛ یعنی این شتاب باید محفوظ بماند. وجود شتاب رشد علمی به معنای این نیست که ما به هدف رسیدیم یا حتی به هدف نزدیک شده‌ایم؛ چون ما خیلی عقب بودیم. دنیا هم که منتظر نمی‌ماند که ما پیش برویم، او تماشا کند؛ دنیا هم دارد دائماً پیش میرود؛ البته شتاب ما بیشتر است، ما باید این شتاب را حفظ کنیم. اگر این شتاب رشد علمی حفظ شد، این امید وجود دارد که ما برسیم به قله‌ها، برسیم به خطوط مقدم؛ و همان‌طور که بارها عرض کردم، کشور ما و مراکز علمی ما برای دنیا مرجع علمی بشوند. این باید اتفاق بیفتد و ان‌شاءالله این کار خواهد شد. البته بنده تصور نمی‌کنم که حالا این کار در ظرف پنج سال و ده سال و پانزده سال انجام بگیرد؛ نه، من چند سال پیش گفتم شما پنجاه سال دیگر، چهل سال دیگر این آینده را تصویر کنید که در دنیا هر کسی بخواهد به یافته‌های تازه‌ی علمی دست پیدا کند، مجبور بشود زبان فارسی یاد بگیرد؛ همّت را این قرار بدهید. کاری کنید که در دنیا دیگران محتاج دانش شما باشند، مجبور باشند زبان شما را یاد بگیرند تا به دانش شما دست پیدا کنند؛ این کار هم ممکن است؛ این کار ممکن است.

مرحوم دکتر چمران - شهید چمران - يك نخبه‌ی علمی بود؛ حالا او مشهور شده به جنگ و شهادت و تفنگ و مانند این چیزها، لکن يك نخبه‌ی علمی برجسته بود؛ در یکی از دانشگاه‌های برجسته‌ی آمریکا هم درس می‌خواند که بعد رها کرد و آمد، و در لبنان و بعد هم در کشور خودش مشغول جهاد شد. او به من می‌گفت که در دانشگاه‌های آمریکا - و بخصوص و از جمله در همان دانشگاهی که ایشان تحصیل میکرد - برجسته‌های درجه‌ی يك، معدود بودند و ایرانی‌ها در بین آنها بیشتر از همه بودند. ایرانی‌ها از متوسط استعداد جهانی بالاترند؛ این را ما از افراد دیگر هم مکرّر شنیده‌ایم؛ عرض کردم حالا هم که تجربه‌ها این را نشان میدهد. نکته‌ای که من از اوّل روی آن تکیه کردم و هنوز هم به طور کامل تحقق پیدا نکرده، مسئله‌ی پیوند علم و صنعت، دانشگاه و صنعت، مراکز تحقیقی و صنعت است؛ که خب البته الان چند سال است که من میبینم این در زبان دانشجویها و نخبه‌ها و مسئولین هم میچرخد. این نکته‌ی بسیار مهمی است. ما يك مجموعه‌ی علمی داریم اینجا، يك مجموعه‌ی صنعتی داریم اینجا؛ صنعتی‌های ما تشنه‌ی دست یافتن به پیشرفته‌های علمی و تحقیقات دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما هستند؛ دستگاه‌های علمی ما هم برای اینکه مثل این چشمه‌های جوشان، جوشش آنها ادامه پیدا کند و جریان پیدا کند، احتیاج به بازار مصرف‌کننده‌ی علم خودشان دارند؛ بین اینها رابطه‌ی منطقی و کامل وجود ندارد. اگر ما بتوانیم این رابطه‌ی صنعت و دانشگاه را، صنعت و مراکز تحقیق را، یا به معنای عام، صنعت و علم را به‌صورت کامل برگزار کنیم، نتیجه به این صورت خواهد بود که هم دستگاه‌های صنعتی ما رشد پیدا خواهند کرد - در حلّ مسائل خودشان مراجعه‌ی به دانشگاه‌ها خواهند کرد، مسائل خودشان را حل خواهند کرد و از پیشرفته‌های علمی آنها در کار صنعتی خودشان استفاده خواهند کرد - هم دانشگاه‌های ما جریان پیدا خواهند کرد؛ مثل سدّی که به‌وجود آمده، امّا شبکه‌های آبیاری نداشته باشد؛ خب، این سد فایده‌ای ندارد. نیمی از کار سد این است که ما دیواره درست کنیم و آب پشت آن جمع کنیم، نیم عمده این است که ما شبکه‌های آبیاری به‌وجود بیاوریم تا آب این سد بتواند به نقاط مورد نیاز و به نقاط تشنه و زمینهای تشنه برسد؛ این باید انجام بگیرد. البته، هم شرکتها و کارخانه‌ها بایستی بیش از گذشته به مراکز علمی رجوع کنند، هم مراکز علمی باید خودشان را بیش از گذشته آماده کنند. باید هر سال شاهد صدها پروژه‌ی تحقیقاتی سفارش شده - البته سفارشهای داخلی - در دانشگاه‌ها و مراکز



علمی باشیم. امروز هم یکی از نقاطی که به نظر من خیلی نقطه‌ی ضعف است - خیلی از جوانها و اساتید و مانند اینها هم گاهی میگویند - کار علمی به دنبال سفارش خارجی [است]، کاری نیست که کشور به آن احتیاج دارد؛ نمیخواهم من به طور کلی منع کنم، اما اینکه شما اینجا بنشینید کار علمی و تحقیقاتی بکنید برای نیازی که فلان دستگاه علمی دنیا یا فتاوری دنیا پیدا کرده و با قیمت ارزان این را از شما میگیرد، این هنر نیست؛ باید نگاه کنید ببینید نیاز داخلی چیست، این کار تحقیقاتی شما - بخصوص در مقطع دکتری و مقاطع بالا - به درد کجای کشور میخورد، کدام خلأ را در داخل کشور پر میکند.

بنابراین يك مسابقه‌ی جدی بزرگ در نوآوری - يك مسابقه‌ی به معنای حقیقی کلمه، چه در علوم، چه در فتاوری - باید واقعاً به وجود بیاید. در این پایان‌نامه‌ها - بخصوص مقطع دکتری - یکی از چیزهایی که به طور قطع باید مورد توجه باشد، نکته‌ی نوآوری است؛ نشان داده بشود که نوآوری در اینجا کجا است؛ و این ملاک ارزیابی باشد، ملاک امتیازدهی بشود. بنیاد ملی نخبگان باید با جدیت کار کند، محیط نشاط علمی فراهم بشود؛ اگر این شد، متخصص ایرانی ساکن خارج هم شوق پیدا میکند بیاید؛ جوان با استعداد ایرانی هم شوق پیدا میکند که در خانه و کاشانه‌ی خود بماند و برای خدمت به کشورش کار بکند.

يك نکته‌ی اساسی و مهمی هم در اینجا وجود دارد و آن نکته‌ی تقوا و پرهیزگاری است. جامعه‌ی نخبگانی ما - دخترها، پسرها، جوانها عموماً؛ اساتید آنها - در سایه‌ی تقوا و پرهیزگاری و پاکدامنی و توجه به خدا توانایی‌هایشان مضاعف خواهد شد، توانایی‌هایشان مضاعف خواهد شد، پیشرفتهایشان آسان خواهد شد. شماها یکی از بزرگ‌ترین امتیازاتی که دارید، صفای جوانی است؛ این چیزی است که همیشه با انسان نمی‌ماند. در دوران جوانی صفا و نورانیتی وجود دارد که جلب رحمت الهی را برای انسان آسان میکند؛ و اگر خدای متعال راه را برای انسان آسان کند - فَسْتَيْسِرُ لِلْيُسْرَى - (۵) برای آسان شدن کار و هموار شدن کار به انسان کمک کند و مقدمه را فراهم بکند، انسان خیلی راحت‌تر به اهداف دست پیدا خواهد کرد. تقوا و پاکدامنی و ایمان و صفا و نورانیتی را که در شما هست - که زمینه‌ی معنویت است - قدر بدانید و از خدای متعال بخواهید که به شما کمک کند و به کشورتان کمک کند، ان شاء الله بتوانیم به نقطه‌های مورد آرزو برای کشور و ملتمان برسیم. بنده هم که همه‌ی شماها را همیشه ان شاء الله دعا خواهم کرد، کما اینکه تا حالا هم دعا میکردم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(۱) این همایش از ۱۶ تا ۱۸ مهر ماه سال جاری برگزار شد.

(۲) پیشنهاد آقای محمدحسین نورانیان (از دانشگاه خواجه نصیر) در خصوص ایجاد ابرسامانه‌ی نقشه‌ی دانش

(۳) پیشنهاد آقای علی رجب‌پور (عضو هیئت علمی دانشگاه امام خمینی (ره) قزوین): توجه به اینکه در دنیای امروز يك کشور نمیتواند در تمام زمینه‌های فتاوری سرآمد باشد؛ ما باید با توجه به مزایای بالفعل و بالقوه‌ی خود و با نگاه به موقعیتهایی که در بازارهای جهانی داریم، چند زمینه‌ی مهم را که میتوانیم در آنها سرمایه‌گذاری کنیم مشخص کرده تا در سالهای آتی در آنها سرآمد شویم که این مطالب در نقشه‌ی جامع علمی کشور هم بخوبی تبیین شده و مدیران اجرایی باید به حرکت در این مسیر اهتمام بورزند.

(۴) دکتر سورنا ستاری، فرزند سرلشکر خلبان شهید منصور ستاری

(۵) سوره‌ی لیل، آیه‌ی ۷